**باسمه تعالی**

[***شرطیت باطل بودن مضمون کلام در صدق غنا*** 1](#_Toc471933879)

[**قول أول (قول به شرطیّت)** 1](#_Toc471933880)

[**قول دوم (عدم شرطیّت)** 2](#_Toc471933881)

[**قول سوم (تفصیل مرحوم خویی)** 2](#_Toc471933882)

[***نظر استاد در شرطیّت باطل بودن مضمون کلام در صدق غنا*** 2](#_Toc471933883)

[**اشکال مرحوم تبریزی (صدق غنا بدون توجّه به محتوا)** 3](#_Toc471933884)

[**جواب** 3](#_Toc471933885)

[**قوی بودن اشکال مرحوم ایروانی (عدم احراز صدق غنا بر کلام غیر باطل)** 3](#_Toc471933886)

[**سیره استنکاریه و علاقه انسیه** 3](#_Toc471933887)

[**جواب از اشکال مرحوم تبریزی** 4](#_Toc471933888)

[***بررسی تعریف غنا به صوت مطرب*** 4](#_Toc471933889)

[***بررسی تعریف غنا به صوت لهوی*** 5](#_Toc471933890)

[***معنای زور*** 6](#_Toc471933891)

[***مراد از کلام باطل*** 6](#_Toc471933892)

[**اشکال مرحوم شیخ** 7](#_Toc471933893)

[**جواب مرحوم ایروانی از اشکال مرحوم شیخ** 7](#_Toc471933894)

[***مناقشه درجواب مرحوم ایروانی*** 8](#_Toc471933895)

[***کلام مرحوم امام قدس سره*** 8](#_Toc471933896)

[**مناقشه** 8](#_Toc471933897)

**موضوع**: محرمات/شرطیّت باطل بودن مضمون کلام در صدق غنا /بررسی أقوال

**خلاصه مباحث گذشته:**

***شرطیت باطل بودن مضمون کلام در صدق غنا***

بحث راجع به این بود که در صدق غنا لهوی بودن و باطل بودن مضمون کلام معتبر است یا نه؟

عرض کردیم سه قول در مسئله مطرح است:

**قول أول (قول به شرطیّت)**

در صدق غنا معتبر است که مضمون کلام باطل و لهوی باشد.

**محقق ایراونی این نظر را اختیار کرده و فرموده است:**

ما در صدق غنا بر صوت مشتمل بر ترجیع مطرب در جایی که مضمون أشعاری که می خوانند باطل نباشد، شک داریم. بلکه معنایی که شیخ أعظم و فقهایی کرده اند که غنا صرفاً کیفیت صوت است و ربطی به مضمون کلام ندارد را نمی فهمیم زیرا از کجا بفهمیم چه صوتی با الحان أهل فسوق و معاصی مناسب است. آواز أهل معاصی با آواز أهل طاعت با هم فرق ندارد و تنها اشعاری که أهل معاصی می خوانند، أشعار باطله یعنی عاشقانه و مبتذل است.

**قول دوم (عدم شرطیّت)**

**قول منسوب به مشهور که فرموده اند:** غنا کیفیت صوت است، محتوای کلام دخلی در آن ندارد.

**امام فرمود این مطلب واضح است و قابل تأمّل نیست.**

**مرحوم استاد هم در ارشاد الطالب همین قول را قائل شدند**؛ هر چند در کتاب القضاء و الشهادات در بحث شفاهی که ظاهراً نوار آن موجود باشد، قول اول را اختیار کردند؛ و ظاهرا از قول اول برگشتند.

**قول سوم (تفصیل مرحوم خویی)**

**مرحوم آقای خوئی فرمودند:** گاهی شدت لهوی بودن کیفیت آواز، غلبه می کند و حتّی با محتوای حق هم غنا صادق است. و گاهی کیفیت صوت شدید نیست و به تنهایی غنا بر آن صدق نمی کند و به خاطر محتوای لهوی و باطل غنا صدق می کند.

***نظر استاد در شرطیّت باطل بودن مضمون کلام در صدق غنا***

**به ظنّ ما این قول ثالث عرفی است**؛ انصافاً و بالوجدان دیده می شود بین آوازهایی که معروف است آواز حرام اند و به گوش انسان خورده است و آواز هایی که محتوای أشعارشان باطل نیست، اختلاف عرفی وجود ندارد و تنها فرق در این است که در مصادیق حرام مضمون شعر لهوی و مبتذل است. ولی همین مطلب هم جای مناقشه دارد.

**خلاصه عرض ما این است؛** قول دوم که قول منسوب به مشهور است و محتوای کلام را در صدق غنا مؤثّر نمی دانند به وجدان عرفی ما صحیح نیست و یا لاأقل محرز نیست که عرف در صدق غنا فقط کیفیبت آواز را ملاحظه کند و محتوای کلام را در نظر نگیرد. و **مظنون ما این است که قول سوم عرفی باشد**.

**اشکال مرحوم تبریزی (صدق غنا بدون توجّه به محتوا)**

**و همین مقدار جواب آن اشکال مرحوم استاد را می دهد**؛ ایشان فرمودند انسان گاهی آوازی می شنود ولی مضمون کلام را نمی فهمد مثل این که زبان، زبانی دیگر است و یا این که از دور صدای غنا می آید و او محتوا را تشخیص نمی دهد، در این موارد عرف در صدق غنا تردید نمی کند با این که محتوا را نمی فهمد.

**جواب**

**جواب این است که:** قول سوم فی الجمله منکر نشد که گاهی شدت کیفیت لهوی منشأ صدق غنا می شود و دیگر به مضمون کلام نگاه نمی کنند. لذا معنای این اشکال پذیرش قول دوم نیست.

**قوی بودن اشکال مرحوم ایروانی (عدم احراز صدق غنا بر کلام غیر باطل)**

بلکه به نظر ما جا دارد انسان (همانطور که خود استاد در بحث قضاء و شهادات فرموده اند) در همین مقدار هم تشکیک کند و بگوید: این که شدت کیفیّت لهوی منشأ صدق غنا شود و بر أشعار حق که با کیفیّت شدید لهوی خوانده می شود صادق باشد، محرز نیست. و ظنّ به آن هم فایده ای ندارد زیرا الظن لایغنی من الحق شیئا. و ما جازم به صدق غنا بر کیفیّت شدید لهوی که مضمون آن حق است نیستیم؛ زیرا غنا حتّی برای عرف عرب مفهوم واضحی ندارد. چه برسد به ما که عرف عجم ایم و مرادف فارسی غنا را نمی دانیم چیست: آوازه خوانی، آواز خواندن و غیر آن، و چه بسا أصلاً مرادف فارسی نداشته باشد.

لذا ما اشکال محقق ایروانی را قوی می دانیم و صدق غنا بر شعری که محتوای باطل ندارد را احراز نمی کنیم. حال یا ظاهر در محتوای حق است و یا مثل أشعار حافظ دو وجهی است و می توان از آن معنای حق یا باطل اراده کرد.

**توجّه شود که**: ما غنا را بررسی می کنیم و لذا جایی را فرض کنید که بدون استفاده از ابزار موسیقی صرفاً آواز می خواند. و نیز آواز زن را حساب نکنید زیرا بذاته نوعاً به خاطر صدای زیبای زن مهیّج است و از این جنبه تأثیر می گذارد.

لذا فرض کنید مردی اشعار حافظ را با لحنی می خواند که با همین لحن اشعار عاشقانه را می خواند. در این مورد صدق غنا برای ما محرز نیست.

**سیره استنکاریه و علاقه انسیه**

**و این که بگویید:** اگر آواز با مجالس أهل فسوق تناسب داشته باشد غنا صدق می کند اگر چه محتوا باطل نباشد؛

**می گوییم**: در این صورت هم صدق غنا احراز نمی شود زیرا احتمال می دهیم تناسب با مجالس أهل فسوق، ناشی از علقه أنسیه باشد:

مثلاً در بحث حلق لحیه گفته شده که در ارتکاز متشرعه این است که ریش تراشی مستنکر است. در این بحث اشکالاتی مطرح شده که مثلاً چه بسا این سیره استنکاریه ناشی از فتاوا باشد. و نیز گفته شده است که نوع مردم وقتی آدم خوبی را می دیدند دارای محاسن و مثلاً تسبیح بوده است و این در ذهنشان مانده است. و آدم هایی که ریش می تراشیدند و سبیل می گذاشتند به خاطر کارهای دیگرشان که بد بوده است مردم ذهنیّت بدی نسبت به آن پیدا کرده اند.

و نیز مثل این که شخصی نقل می کرد و می گفت: ما در روستا که بودیم فکر می کردیم هر کس کت و شلوار بپوشد، فاسق فاجر است. چون ذهن شان این بود، چون زمان قدیم معمولا کت و شلوار نمی پوشیدند الا این متجدد مآب ها که غرب زده بودند. و نیز مثل همین کروات که در خیلی از کشورها متدینین هم کروات می زنند و اصلا بد نمی دانند. اما در محیط ما یک مقدار این حالت وجود دارد که بین کروات و بین عدم التزام به احکام دین، یک ملازمه غالبیه هست، لذا انسان ذهنیت بدی پیدا کرد است و این ذهنیّت ها تاثیر می گذارد.

**جواب از اشکال مرحوم تبریزی**

**و این که مرحوم استاد فرمود:** از دور صدای آواز می شنویم و نمی دانیم چه شعری می خواند، یا از نزدیک به صدای بیگانه که شعر می خواند گوش می دهیم و در صدق غنا شک نمی کنیم؛

**به این خاطر است که:** گاهی کیفیت صدا باعث می شود علاقه انسیه به کار بیفتد و یاد آن اشعار متضمن فسق و فجور و متضمن لهو و لعب می افتیم که آن را هم به همین کیفیت لهویه می خواندند.

لذا ما صدق غنا بر این آواز را احراز نکرده ایم و احتمال می دهیم این کیفیت صدا به خاطر تناسب با اشعار لهوی و وجود ذهنیت نسبت به آن، غنا نامیده شود و معلوم نیست واقعاً غنا باشد و انصافاً جزم مشکل است.

**لذا برای ما صدق غنا محرز نیست. مخصوصا این تعریف هایی که کردند:**

***بررسی تعریف غنا به صوت مطرب***

الصوت المطرب شأناً هر چند مشتمل بر ترجیع نباشد که امام تعبیر کرد؛

**حال مطرب به چه معنا منظور است:**

**به این معنا که انسان را دچار خفت بکند:** یعنی احساسات بر عقل یک مقدار چیره بشود؛ که خود امام هم فرمود این معنا مراد نیست.

**یا به این معنا که رفتار انسان یک مقدار تحت تاثیر احساسات قرار بگیرد**: که خیلی از این مداحی ها انسان را تحت تاثیر احساسات قرار می دهد و انسان خودش را تکان می دهد، ممکن است در اشعار غم انگیز به حالت حزن و اندوه در آید و خودش را بزند، در اشعار شادی به وجد بیاید. طربت و ما شوقا الی البیض اطرب و لا لعبا منی و بالشیب یلعب، اصلا طرب در آنجا یعنی همین. یعنی برای ناراحتی از عزای حسین علیه السلام دچار طرب شدم.

**یا به این معنا است که اثاره شهوت کند:** که همچون معنایی برای طرب ذکر نکرده اند و معلوم هم نیست غنا ملازم با اثاره شهوت جنسی باشد؛ اشعاری که در فقد معشوق می خوانند که آن شبی که مرا رها کردی کجا رفتی. ای بی وفا!، مثل «بانَت سعادُ؛ فقلبی الیوم متبولُ مُتّیمٌ إثرَها ، لم یُفدَ مکبولُ» کی انسان را دچار شهوت می کند. بله احساساتش تحریک می شود نه این که دچار شهوت شود. البته بعضی اشعار مبتذب چه بسا انسان را دچار شهوت کند ولی قطعاً غنا ملازم با شهوت جنسی نیست.

***بررسی تعریف غنا به صوت لهوی***

**و أما این که غنا به معنای صوت لهوی باشد؛**

**أولاً:** اشکال محقق ایروانی قوی است که صوت لهوی به چه معنا است و با غیر لهوی چه فرقی دارد. خصوصاً با معنایی که برای لهو کردیم که آنچه موجب سرگرمی می شود لهو است (کل ما یشغل الانسان) و مجالس لهو و لعب یعنی مجالس سرگرمی. یعنی اگر کیفیّت آواز موجب سرگرمی شود غنا است؛ که خیلی از آواز ها موجب سرگرمی است در حالی که عرفاً غنا نیست.

**خلاصه این که**: این سخنان که، عرف می گوید غنا یعنی صوت مطرب که امام فرمود یا صوت لهوی که آقای سیستانی و مرحوم استاد بیان می کردند اینها واقعا واضح نیست. هیچکدام از اینها تعریف جامع و مانع نیست.

**و ثانیا**: در صدق غنا ما تشکیک نکنیم و بگوییم بر صوت مطرب یا صوت لهوی ولو اشعار حقی بخوانند، غنا صدق می کند؛

**لقائل أن یقول که**: اطلاقی در دلیل حرمت غنا نداریم که شامل غنای در کلام حق هم بشود؛ زیرا عمده دلیل بر حرمت غنا روایاتی است که در تفسیر «و اجتنبوا قول الزور» و «و من الناس من یشتری لهو الحدیث» آمده که قول الزور و لهو الحدیث را به معنای غنا گرفته اند.

**و اشکال مرحوم شیخ انصاری همین است که**؛ به قرینه اینکه قول الزور ظاهر است در اینکه مقول، زور و باطل است، و القول الزور نگفت، بلکه قول الزورگفت، یعنی گفتن کلام زور. ظاهر قول الزور این است که این سخن محتوایش زور و باطل است نه اینکه نحوه اداء این کلام باطل و لهوی است.

***معنای زور***

حال ببینیم معنای زور چیست؛

**در مفردات راغب می گوید**: زور به معنا میل است و تزاور عن کهفهم أی تمیل. و قیل للکذب زور لکونه مائلا عن جهته. و سمی الصنم زورا لکون ذلک کذبا و میلا عن الحق.

**در کتاب العین هم می گوید**: الزور قول الکذب و شهادة الباطل.

**در کتاب المحیط می گوید**: الزور وسط الصدر، و الزور میل فیه، قسمتی از سینه که در آن یک مقدار انحراف را زور می گویند. زوّرت الشیء عوّجته، کج کردم شیء را، و أملته عن جهته.

پس زور به معنای انحراف شد لذا «و اجتنبوا قول الزور» به این معنا است که از قول منحرف و سخن نادرست اجتناب کنید که ظاهرآن این است که محتوای سخن نادرست است. لذا وقتی در روایت قول زور را به غنا تفسیر می کند ما یصلح للقرینه است که غنا با محتوای باطل تناسب دارد و لذا دیگر نسبت به آواز خوش و لو شأناً مطرب یا لهوی باشد ولی محتوای آن باطل نباشد، اطلاق ندارد.

***مراد از کلام باطل***

مراد از باطل همان طور که مرحوم ایروانی فرمود، ترغیب به گناه نیست بلکه مراد اشعار عاشقانه و اشعاری که ترغیب به لهو و عشق مجازی و فقد معشوق و وصل به معشوق می کند، است که اگر با آواز خوش خوانده شود قول الزور بر آن صدق می کند و حرام است. ولی اگر جایی محتوای کلام، حق بود و ترغیب به بهشت یا به دوری از گناه و نزدیکی به خدا می کرد، بر فرض غنا بر آن صدق کند ولی قول الزور بر آن صادق نیست و از آیه نمی توان حرمت آن را ثابت کرد. مثلاً این هایی که صوفی بودند(ما قصد ترویج این مطالب را نداریم ولی چون بحث علمی است مثال می زنیم) مجلس سماع داشتند حال نمی دانم ابزار موسیقی هم به کار می بردند یا نه. مجلس سماع یعنی مجلس آواز: حال اگر این ها بیایند اشعاری در نزدیک شدن به خدا بخوانند چون محتوا حق است قول الزور بر آن صادق نیست.

باز هم تکرار می کنیم که مراد از باطل اشعاری نیست که ترغیب به گناه می کند و همین که در فراق یا وصال به معشوق شعر بگوید کفایت می کند که غنا صدق کند و قدر متیقّن از غنا همین است و نمی توانیم حرمت غنا را مختصّ صورت ترغیب به گناه بدانیم. معمول اشعاری که غنا است این گونه است و بسیار کم اند غناهایی که ترغیب به گناه کند و مثلاً محتوایش این باشد که نعوذ بالله بیا زنا کنیم!! مثلاً شما اشعار أغانی ابوالفرج اصفهانی را بررسی کنید و ببینید کجا راجع به زن شوهر دارد شعر گفته است. و معلوم نیست شعر راجع به نامحرم بوده است شاید صیغه اش می کردند. در هر صورت بحث در این است که ترغیب به گناه خیلی جاها مطرح نیست و منتهای مطلب این است که صورت و اندام زن زیبایی را ترسیم می کند و راجع به وصف او شعر می گوید و زن خاصی هم نیست که بگوییم تشبیب است. مثلاً شواهد مغنی محتوای باطل دارد که البته اگر بدون آواز خوانده شود حرام نیست بلکه وقتی با آواز خوش همراه می شود حرام می شود.

**اشکال مرحوم شیخ**

و این اشکالی است که مرحوم شیخ انصاری هم مطرح نموده اند؛ ان تطبیق قول الزور علی الغنا قرینة علی کون المراد به الکلام الباطل لا الکیفیة فی الصوت مطلقا. و یؤید کون المراد بالغنا فیها هو الکلام الباطل صحیحة حماد عن ابی عبدالله علیه السلام قال سألته عن قول الزور قال منه قول الرجل للذی یغنّی احسنت.

کسی غنا می خواند، همین که شما به او بگویی احسنت، این قول زور می شود و معلوم است که أحسنت کیفیت آوازش لهوی نیست ولی محتوا باطل است زیرا کسی که غنا می خواند را تشویق کرد و به او أحسنت گفت و متضمن مدح فاعل حرام است.

این راجع به فرمایش مرحوم شیخ در رابطه با آیه و اجتنبوا قول الزور که به نظر ما فرمایش متینی است.

**جواب مرحوم ایروانی از اشکال مرحوم شیخ**

مرحوم ایراونی خودش طرفدار این است که غنا در مواردی که محتوای کلام، حق است صدقش محرز نیست. ولی بحاث است و به شیخ ره اشکال کرده است که اگر غنا در جایی که محتوای کلام حق است و با آواز مطرب یا لهوی خوانده می شود، صدق کند نباید در حرمت آن تشکیک کرد زیرا قول زور و باطل از دو چیز ناشی می شود: از محتوا، و از کیفیت؛ اگر محتوا باطل باشد که قول زور صادق است و اگر کیفیّت باطل باشد باز قول زور صادق است زیرا کیفیّت سخن گفتن با خود سخن گفتن در خارج اتّحاد دارند، در خارج آواز با آن شعر ترکیب اتّحادی دارند و یک وجود است که از محتوا و کیفیّت تشکیل شده است، لذا اگر کیفیّت آواز هم باطل باشد «الکلام الباطل» صدق می کند. یعنی گاهی باطل بودن کلام و سخن ناشی از محتوا است و گاهی منشأ باطل بودن کلام، کیفیّت آن است.

**و از صحیحه حماد که آمده است:** «و من قول الزور قول الرجل للمغنی احسنت» استفاده نمی شود قول زور، قولی است که محتوایش باطل باشد زیرا اثبات شیء نفی ما عداه نمی کند: این که «قول الرجل للمغنی احسنت» قول زور است موجبه جزئیه است و اثبات نمی کند همه جا باید محتوا باطل باشد تا قول زور بشود.

**خلاصه این که:** مرحوم ایروانی می فرماید اگر صدق غنا بر کلام حق را قبول کنیم اشکال مرحوم شیخ وارد نمی باشد و لکن ما در صدق غنا بر موردی که محتوا باطل نیست شک داریم لذا مدّعای مرحوم شیخ را قبول داریم که غنا تنها در صورتی حرام است که محتوا هم باطل باشد.

***مناقشه درجواب مرحوم ایروانی***

انصافا ظاهر قول الزور این است که مقول، انحراف از حق باشد. القول الزور نگفتند، قول الزور گفتند یعنی از سخن انحرافی اجتناب کنید و ظاهر سخن انحرافی این است که محتوایش انحرافی است.

و لذا به نظر ما این اشکال مرحوم شیخ قوی است.

***کلام مرحوم امام قدس سره***

**و امام قدس سره فرموده اند**: معلوم است که غنا کیفیت صوت است و به معنای صوت مطرب است. و از طرفی ظاهر «قول زور» این است که محتوای کلام باطل باشد؛ لذا می گوییم امام برای «قول الزور» تطبیقی تعبّدی کرد و ما به اطلاق تطبیق ملتزم می شویم. و ممکن است تطبیق قرینه شود بر این که معنای «قول الزور» را حمل بر خلاف ظاهر کنیم و بگوییم هر چند ظهور آن در محتوای باطل است ولی چون امام علیه السلام غنا را که کیفیّت صوت است نه محتوای باطل، بر قول زور تطبیق کرد می فهمیم که قول زور شامل کیفیّت صوت هم می شود و معنایی أعم دارد.

**مناقشه**

**این فرمایش هم ناتمام است؛** زیرا وقتی «قول الزور» ظهور در محتوای باطل داشت ما یصلح للقرینیه است که محتوای باطل را در حرمت آن لحاظ کنند نه در صدق آن.

**نگویید که:** محتوای باطل بدون آواز خوش که حرام نیست: زیرا هر چند حرام نیست أما آیا هیچ دخالتی هم در حرمت غنا ندارد؟ این ادعای دیگری است. و در آیه ما یصلح للقرینیه وجود دارد که باید محتوای آواز خوش، باطل هم باشد و گرنه مصداق قول الزور شدن آن مشکل است. و تطبیق تعبدی هم وقتی ما یصلح للقرینیة داشت دیگر اطلاق برایش منعقد نمی شود.

که این مطلب را ان شاء الله بعدا بیشتر توضیح خواهیم داد.

و الحمد لله رب العالمین.